

دیدگاه

احمد - شریعتی

دوم - شهرپور - امسال کنفرانس - فیزیک - ایران در دانش گاه - صنعت - آب و برق - شهید عباس پور شروع شد. در مراسم - افتتاحیه، که امسال نسبتاً ساده بود، دکتر رضا منصوری 15 دقیقه صحبت کرد و در بخش ی از صحبت ها یش گفت: "یک ی از چالش ها پی که فیزیک - ایران با آن روبه روست این است که نسل - جدید ی از فیزیک دان ها در ایران به وجود آمده که تمام - تحصیلات - شان در ایران بوده است. این عده در معرض یک جوّ علمی فعّال و فراگیر قرار نگرفته اند، و بیم آن می رود که تصور درستی از این که فرایند علم چیست به دست نیاورند. باید با این چالش روبه رو شد. باید راه را برای رفتن - فارغ التحصیلان - دکتری به خارج باز کنیم تا در جریان - علم - روز - دنیا قرار بگیرند. خوش بختانه در وزارت - علوم آیین نامه ی - اعزام به دوره ها ی - پسادکتری تدوین شده."

ظهر - همان روز، در ناهارخوری یک ی از دانش جوها ی - خوب - دانش گاه - صنعتی ی - شریف را دیدم. از او پرسیدم کی فارغ التحصیل می شود (یعنی کی لیسانس می گیرد)، گفت امسال. پرسیدم بعد چه می کنی؟ گفت می خواهم هم فیزیک و هم ریاضی بخوانم. پرسیدم همین جا؟ گفت بله. کم ی تعجب کردم، زیرا چند سال ی است که رسم شده امثال - او حداکثر تا لیسانس را در ایران بخوانند. بعد خودش بحث را ادامه داد. پرسید: به نظر - شما چه کار باید بکنم؟ بعد از رد و بدل شدن - چند جمله، معلوم شد حرف ها ی - منصوری ذهن - او را به خود مشغول داشته. سؤال - اصلی اش این بود که آیا می توان در ایران درس خواند و از علم - دنیا عقب نماند.

خوب که دقت کنیم می بینیم نگرانی ی - او به جا است. رضا منصوری، که در 25 سال - گذشته به انحاء - مختلف در تکوین - فیزیک - ایران نقش داشته عارضه ای را در فیزیک پیشه ها پی که در ایران تربیت شده اند می بیند. شاید این عارضه جدی باشد. من کاملاً به دانش جوها ی - خوب حق می دهم از این حرف - منصوری نتیجه بگیرند که بهتر است اگر می توانند از ایران بروند، زیرا آن ها کاملاً پتانسیل - این را دارند که فیزیک پیشه ی - خوب بشوند، و چرا نشوند؟ اما در ایران، اگر هم بتوانند چند مقاله در بیاورند، نخواهند دانست که علم چیست، و فیزیک پیشه ها ی - دنیا به دنبال - چه هستند.

در این نوشته می خواهم این دیدگاه - منصوری را نقد کنم. پیش از آن لازم می دانم دو نکته را یادآوری کنم: (۱) من در بسیاری زمینه ها، از جمله در صریح نوشتن شاگرد - منصوری بوده ام؛ (۲) منصوری از معدود کسان ی است که عقیده ها یش را نوشته و چاپ کرده، و این امکان را در اختیار - ناقدین گذاشته که حرف ها یش را نقد کنند. بعضی ها نه می نویسند و نه نوشتن دیگران را تحمل می کنند.

دوره ی. پسادکتری چیست؟ تا آن جا که من می دانم هیچ دوره ای به نام دوره ی. پسادکتری نیست. قصه این است که دانش گاه ها فارغ التحصیل ها را بلافاصله استخدام نمی کنند؛ به یک دلیل - خیل ی ساده: تقاضا برای ی. کار بیش از عرضه است. دانش گاه ها می گویند فارغ التحصیل ها یی که در فلان زمینه کار می کنند فلان تقاضانامه را پُر کنند، ما از بین آن ها چند نفر را می گیریم، دو سال با آن ها قرارداد می بندیم (فقط برای ی. این که پژوهش کنند) بعد اگر خواستیم قرارداد شان را تمدید می کنیم، و در موارد خیل ی خاص و نادر بعض ی از آن ها را استخدام می کنیم. در این مقام - پسادکتری، شخص معمولاً وارد تیم - پژوهشی ی. یک پژوهش گر - با سابقه می شود، اما خیل ی وقت ها هم کاملاً تنها است. یک نکته ی. جالب این است که در این دوره دانش گاه به شخص پول می دهد فقط برای ی. آن که پژوهش کند، و این پول کم نیست. برای ی. تازه فارغ التحصیل ها ی. ایران این پول یک ی از جاذبه ها ی. مهم - پسادکتری (در خارج) است. اگر کسی بتواند چند سال ی در خارج پُست داک باشد، در بازگشت به ایران دست کم مشکل - مسکن ندارد. دوره ی پسادکتری برای ی. تازه فارغ التحصیل ها ی. ایران جاذبه ی. دیگری هم دارد: احتمال یافتن - کار - دائم در فرنگ. اکنون منصوری جاذبه ای دیگر را هم می افزاید: اصلاً کسی که چند سال ی در فرنگ پُست داک نبوده باشد نمی داند علم (یا دست کم علم - روز) چیست. یک نتیجه ی. این حرف این است که حتّاً اگر می خواهید در ایران کار پیدا کنید، بهتر است ابتدا چند سال ی پُست داک - فرنگ شده باشید.

شاید حرف - منصوری درست باشد، اما در این صورت باید از خود اش که معاون - پژوهشی ی. وزیر - علوم است، پرسید که برنامه ی. شما برای ی. اصلاح - این وضعیت چیست. مگر یک ی از ایرادها یی که به نظام - دانش گاهی ی. پیشین گرفته می شد این نبود که لبسانس، یا حداکثر فوق لبسانس تربیت می کرد تا خوبها ییش بروند فرنگ؟ خُب اگر حرف - شما درست باشد، ایراد هنوز به قوت - خود اش باقی است، حالا هم دانش گاه ها کسان ی را تربیت می کنند، منتها با مدرک - دکترا، که اگر برای ی. پسادکتری به فرنگ نروند نمی دانند علم - روز - دنیا چیست؛ و این ایراد مستقیماً به معاون - پژوهشی ی. وزیر - علوم بر می گردد، که مسئول - سر و سامان دادن به نظام - پژوهشی ی. دانش گاه ها است، زیرا در فرنگ تنها کاری که مردم در دوره ی. پسادکتری می کنند پژوهش است.

من به هیچ وجه منکر - لزوم - ارتباط - دانش پیشه ها ی. دنیا نیستم و فکر نمی کنم بتوان جزیره ها یی ساخت که دانش پیشه ها ی. آن بی ارتباط با خارج از جزیره بتوانند پژوهش - دست اول بکنند. اما آیا فرستادن - فارغ التحصیل ها به دوره ها ی. پسادکتری ی. دانش گاه ها ی. اروپا و آمریکا بهترین راه - تماس است؟

نگرش - منصوری در دهه ی. گذشته تغییر کرده است. در ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲، زمان ی که تنها چند نفر فارغ التحصیل شده بودند - کسان ی که هرگز پُست داک - فرنگ نشدند - می گفت:

”اعزام دانشجو به خارج بازده مطلوب نداشته است: کشور ما، از زمان عباس میرزا به طور منظم دانشجو به خارج اعزام کرده است، اما می بینیم که عقب ماندگی رفع نشده و این گونه اعزامها نتیجه مطلوب

به دست نداده است. (1) " محاسبه‌ی هزینه‌ی فارغ‌التحصیلان دکتری فیزیک در دانشگاه صنعتی شریف نشان می‌دهد که قیمت تمام شده $\frac{1}{20}$ قیمت‌های بین‌المللی است؛ تازه حداقل با همان کیفیت بین‌المللی! کدامیک از ما که در دانشگاه‌های رنگارنگ دنیا فارغ‌التحصیل شده‌ایم به هنگام فارغ‌التحصیلی پنج مقاله بین‌المللی داشته‌ایم؟ تازه این محاسبه یک اشکال دیگر هم دارد. سابقه‌ی اعزاز دانشجویان نشان می‌دهد از هر سه فارغ‌التحصیل کمتر از یک نفر به ایران بازگشته است، اما فارغ‌التحصیلان ما همگی جذب شده‌اند. پس این $\frac{1}{20}$ هزینه را باید در واقع $\frac{1}{60}$ هزینه دانست. کجا باید اقتصاددانان و برنامه‌ریزان برنامه و بودجه که دست مرزاد بگویند! " (2)

سال ۱۳۷۶ با این کلیت از تمام فارغ‌التحصیلان تعریف نمی‌کرد، در باره‌ی بعضی از آن‌ها عقیده داشت: " هم اکنون دو تن از فارغ‌التحصیلان دکتری فیزیک داخل کشور پیشنهاد گذاراندن دوره‌های پسادکتری در بهترین مراکز علمی دنیا را دریافت داشته‌اند، که این افتخاری است برای کشور ما، و افتخاری که به لحاظ توسعه‌ی کشور نباید کم از افتخار شرکت در جام جهانی باشد. " (3)

حالا در سال ۱۳۸۳ می‌گویند اصولاً تنها کسانی می‌دانند فیزیک روز دنیا چیست که چند سال ی‌پُست‌داک فرنگ شده باشند.

اینک من از آقا‌ی دکتر رضا منصوری چند سؤال دارم: بر مبنای چه اطلاعات کمی ای شما به این نتیجه رسیده‌اید که آن دسته از فارغ‌التحصیلان‌ی دکتری‌ی فیزیک که در ایران مانده‌اند و کار کرده‌اند نمی‌دانند علم روز دنیا چیست؟ چه شد که در فاصله‌ی یک دهه نظر شما در باره‌ی این عده این قدر تغییر کرد؟ تا کنون چند نفر از فارغ‌التحصیلان‌ی دکتری‌ی فیزیک ایران پُست‌داک خارج گرفته‌اند؟ چند نفر از آن‌ها به ایران بازگشته‌اند؟ و شما بر مبنای چه اطلاعات کمی ای فکر می‌کنید که این‌ها بیشتر از آن‌ها یی که پُست‌داک خارج نرفتند می‌دانند فیزیک روز دنیا چیست؟ در ایران چند سال ی است که در دانش‌کده‌ی فیزیک دانشگاه صنعتی‌ی شریف یک پسادکتری‌ی تعدیل‌یافته هست که در آن شخص درس هم می‌دهد. آیا این دوره می‌تواند همان کاری را بکند که شما از رفتن مردم به پسادکتری‌ها ی فرنگ انتظار دارید؟

یادداشت‌ها

(1) توسعه‌ی علمی ایران، نوشته‌ی رضا منصوری، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۳. این متن تجدید چاپ ی است از: رضا منصوری: آیا و چگونه توسعه‌ی علمی ایران امکانپذیر است؟ فصلنامه‌ی سیاست علمی و پژوهشی، شماره ی ۳، ۱۳۷۱، صص ۳۳ به بعد.

(2) رضا منصوری: جسارت برای توسعه و طرح‌های کلان پژوهشی؛ مجله‌ی فیزیک، سال ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱، صفحه ی ۱۸۷.

(3) رضا منصوری: کفران نعمت و جامعه‌ی علمی ما؛ مجله‌ی فیزیک، سال ۱۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶،